

رویه قضایی ایران در مورد جرم سرقت با تاکید بر سرقت رایانه ای و تفاوت آن با قانون موضوعه ایران

نریمان فاخری^۱، فرشید میرزایی^۲

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور مرکز کرج

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشگاه پیام نور مرکز کرج

چکیده

جرم سرقت همواره یکی از جرایم مهم در نظام‌های حقوقی مختلف بوده است. در ایران، سرقت به عنوان یکی از جرایم مشخص با مجازات‌های قانونی خاص خود مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، با پیشرفت فناوری‌های نوین و گسترش استفاده از رایانه‌ها و فضای مجازی، نوع جدیدی از سرقت تحت عنوان "سرقت رایانه‌ای" به وجود آمده که تفاوت‌های قابل توجهی با سرقت‌های سنتی دارد. در این تحقیق، به بررسی رویه قضایی ایران در خصوص جرم سرقت و مقایسه آن با سرقت رایانه‌ای پرداخته شده است. اهمیت این تحقیق در شناخت تطبیق قانون ایران با تحولات جدید در حوزه جرایم سایبری و لزوم اصلاحات قانونی برای هماهنگی بیشتر با واقعیت‌های اجتماعی و تکنولوژیک است. هدف این پژوهش تحلیل و تبیین نحوه برخورد قضا با سرقت رایانه‌ای و بررسی تفاوت‌های آن با سرقت‌های معمولی در چارچوب قانون ایران می‌باشد. روش تحقیق به صورت تحلیلی-توصیفی بوده و از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و رویه‌های قضایی به عنوان داده‌های اصلی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: سرقت رایانه‌ای، رویه قضایی ایران، سرقت، قانون ایران، جرایم سایبری

مقدمه

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصل بیست و یکم از کتاب پنجم با عنوان "تعزیرات و مجازات های بازدارنده" به موضوع سرقت و ربودن مال غیر اختصاص یافته که مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ یا به تعبیری ۸۷۷ تا ۸۹۳ سابق را شامل می شود. بعضی از این مواد شرایط مجازات سارق را مطرح می کند نظیر ماده ۶۵۱ که قید کرده: هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، ولی مقرون به تمام پنج شرط باشد مرتکب به پنج تا بیست سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد. این پنج شرط عبارت اند از: واقع شدن سرقت در شب. ۲-بیشتر از دو نفر بودن سارقین ۳-حمل سلاح توسط یک یا چند نفر از سارقین ۴-از دیوار بالا رفتن، و خود را مامور دولت قلمداد کردن. ۵-تهدید یا آزار کسی در حین سرقت. ماده ۶۵۲ هم حکم سرقت مقرون به آزار را تبیین کرده است. ماده ۶۵۳ حکم سارق غیر محارب و مجازاتش را که سه تا پانزده سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق است صادر کرده است. در ماده ۶۵۵ مجازات مقنن شروع به سرقت در مواد ۶۵۱ تا ۶۵۴ را مطرح نموده که پنج سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق است. در ماده ۶۵۶ مقنن، مجازات سرقتی را که جامع شرایط حد نبوده و دارای شش شرط (سرقت در محل مسکونی یا محل های عمومی-سرقت در جایی که به واسطه درخت یا بوته یا پرچین یا نرده محصور شده-سرقت در شب-بیشتر از دو نفر بودن سارقین-دزدیدن مال مخدوم یا مهمان مخدوم توسط مستخدم و سرقت اموال توسط اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و...) می باشد، تعیین نموده است که حبس از شش ماه تا سه سال و ۷۴ ضربه شلاق است. در مواد ۶۶۲ تا ۶۶۴ بحث آگاهی و علم سارق و مدخلیت آن در ارتکاب جرم و مجازات مطرح شده است. در ماده ۶۶۶ تصریح می کند که در صورت تکرار سرقت، مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود. در ماده ۶۶۷ سخن از رد عین مال یا رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده از سوی سارق علاوه بر مجازات تعیین شده است. در کل فضای حاکم بر جرم سرقت در قانون جدید بر دو رکن شرایط سرقت و تأثیر این شرایط در شدت و خفت مجازات است. در این پژوهش برانیم تا به تبیین و تحلیل رویه قضایی ایران در مورد جرم سرقت با تأکید بر سرقت رایانه ای و تفاوت آن با قانون موضوعه ایران بپردازیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با عنایت به افزایش سرقت ها در کشور و عدم بازدارندگی قوانین کیفری موجود در این خصوص، به نظر می رسد اهمیت پژوهش حاضر در تبیین و نقد و تحلیل رویه قضایی در مورد سرقت و ارائه راهکارهایی در خصوص کاهش جرم مذکور با تکیه بر قوانین اصلاحی جدید می باشد.

پیشینه پژوهش

میربلوچ زهی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی حد سرقت از منظر فقهای اهل سنت (مذاهب چهارگانه) و مذهب شیعه (بررسی قانون ایران در خصوص حد سرقت)» به این نتایج دست یافته اند:

در بحث مجازات سرقت یا به تعبیر بهتر حد سرقت بین فقه شیعه که مبنای قانون مجازات اسلامی ایران است با فقه اهل تسنن تفاوت های اساسی دیده می شود و این تفاوت نتیجه روایات مختلفی است که مورد استناد فقهای دو مذهب قرار گرفته است همچنین باید متذکر شد که در مذهب شیعه تسلسل مجازات از نظر شدت آشکارتر است.

آقای میبیدی و غلامی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی ملاک های تعیین شدت سرقت های تعزیری بر اساس الگوی سرقت حدی (تحلیل فقهی ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی)» به این نتایج دست یافته اند که:

آنچه بیشترین تأثیر را در کاهش سرقت تعزیری داشته همانا دو عنصر «هتک حرز» و «ربایش مخفیانه» بوده است. سلیمان دهکردی و حیدریان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین سرقت هویت در نظام کیفری ایران» به این نتایج دست یافتند:

در قوانین کیفری ایران، جرم سرقت هویت چه در فضای واقعی و چه در فضای مجازی بطور مستقل و منفک جرم انگاری نشده و مجرم را با استناد به مقرره های دیگری چون کلاهبرداری و سرقت رایانه ای و... مورد مجازات قرار می گیرد؛ هر چند رفتار فیزیکی این مقرره ها همسانی و شباهتی به سرقت هویت ندارد.

قاسمی و مرادی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تحلیل شروع به جرم سرقت تعزیری در حقوق کیفری ایران» به این نتایج دست یافتند:

ماده ۱۲۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ ماده ۶۵۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ را نسخ نموده و یک ملاک مشخص برای آغاز سرقت در باب همه اقسام سرقت تعزیری عرضه نموده است. مقنن در تبصره ماده مذکور جدید، جرم محال را هم در حکم آغاز به جرم تلقی نموده است که در این پژوهش با اصطلاح «فرض قانونی» از آن یاد شده است.

حسینی و اعتمادی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «سرقت مقرون به آزار در نظام های کیفری ایران و انگلستان» به این نتایج دست یافتند:

بررسی تطبیقی قوانین ایران و انگلیس در حوزه سرقت مقرون به آزار گویای آن است که رویکرد مقنن ایرانی دارای نقایص و کمبودهای بیشتری بوده که اصلاح این نواقص کاملاً ضروری به نظر می رسد.

مفهوم رویه قضایی

۱- رویه قضایی به معنای عام

اساس و پایه رویه قضایی رأی دادگاه است. تصمیم ارادی یک مقام رسمی به نام قاضی که بر طبق تشریفات مقرر در قانون در مقام رسیدگی به یک دعوا و اختلاف معین صادر می شود، رأی نام دارد. پرسشی که مطرح است، اینکه چگونه رأی دادگاه به رویه تبدیل می شود؟ در پاسخ باید گفت؛ آرای محاکم به دو صورت به «رویه قضایی» تبدیل می شوند. تحلیل نخست این است که کثرت آراء عامل اصلی تشکیل رویه قضایی است. تحلیل دوم این است که چون رأی دادگاه تبدیل به عادت می شود، همین عادت عامل اصلی تشکیل رویه قضایی است. واقعیت این است که رویه قضایی به معنای عام منبع حقوق محسوب نمی شود، خواه عامل اصلی تشکیل آن «وجود آرای متعدد درباره یک موضوع» و خواه «عادت دادگاه ها» باشد. «کثرت» و «عادت» فقط برای توجیه الزام آوری رویه قضایی مؤثر است. صدور تعداد کثیری از آرای مشابه کاشف از این است که این راه حل معین در دادگاه ها به صورت عادت درآمده و در آینده قابل تکرار است. بنابراین می توان گفت عنصر اصلی رویه قضایی رأی دادگاه است. (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۴۸-۲۴۷)

با تکرار راه حل های مشابه در دادگاه ها، «رأی» به رویه تبدیل و به اعتبار آن افزوده می شود. رویه قضایی «زنجیره پیوسته ای از آرای مشابه» است که توسط محاکم مختلف تکرار می شود.^۱ برخی نویسندگان فرانسوی عادت دادگاه ها را نوعی «عرف

^۱-Geny Fr. Methode d' interpretation et sources en droit prive positif, t. 2, p. 6 .

خاص» محسوب کرده اند.^۱ ولی باید گفت رویه قضایی با عرف تفاوت دارد. تفاوت رویه قضایی با عرف این است که در عرف هر دو عنصر مادی و معنوی وجود دارد، ولی در رویه قضایی عنصر مادی، یعنی دوام و استمرار، وجود دارد، ولی عنصر معنوی، یعنی اعتقاد به الزام آوری این رأی، برای همگان وجود ندارد. دادگاه ها می دانند که رویه های شکل گرفته برای آنها الزام آور نیست، ولی با این حال قضات به طور اختیاری از این رویه ها پیروی می کنند. بنابراین، در نظام حقوقی ایران رأی دادگاه منبع حقوق نیست. قاضی در مقام قضاوت وظیفه دارد که قوانین موضوعه موجود را شخصاً تفسیر و اجرا کند. قاضی در استدلال خود باید قیاسی بسازد که کبرای آن قاعده مندرج در قانون باشد. البته در صورت سکوت یا ابهام قانون، قاضی موظف است راه حلی برای دعوی مطروحه پیدا کند؛ لیکن راه حل قاضی در این گونه موارد کشف معنای قانون محسوب می شود، نه خلق قاعده حقوقی جدید. قواعد حقوقی مواد خامی هستند که قاضی از آنها «رأی» می سازد. به تعبیر برخی از اندیشمندان، قاضی زرگر ماهری است که با تراش دادن ماده خام شاهکار می آفریند.^۲

« رأی دادگاه » اعمال حاکمیت در مقام رفع اختلاف است نه در مقام وضع قاعده. تصمیم قاضی منحصر و محدود به موضوع و طرفین همان دعواست و برای سایر افراد و قضات سایر دادگاه ها الزامی ایجاد نمی کند. حتی خود قاضی ملزم به رعایت رأی خود در آینده نیست. بنابراین، در نظام حقوقی ایران آرای غیر وحدت رویه فقط کاشف معنای قانون موجود هستند و منبع حقوق محسوب نمی شوند. دلایل این مطلب به شرح ذیل است: الف) اگر رأی دادگاه منبع حقوق باشد، باید مانند قانون برای سایر محاکم الزام آور باشد. طبق اصل تفکیک قوا، قانون گذاری در انحصار قوه مقننه است. تنها مرجعی که می تواند به نام اراده عمومی، قانون وضع کند، قوه مقننه است. وضع قاعده حقوقی عام فقط در صلاحیت قوه مقننه است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و هیچ مقامی نمی تواند جایگزین آن شود. قوه مقننه نمی تواند اختیار ایجاد قاعده حقوقی را به قضات تفویض نماید؛ ب) در نظام حقوقی ما رویه قضایی فرع بر قانون و نقش قضات محدود به اجرای قانون است. قضات ملزم به تبعیت از قوانین موجود هستند و حق وضع قاعده ندارند. بر اساس اصل ۱۶۶ قانون اساسی « احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. » همچنین بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی « قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد » لذا تا زمانی که درباره قضیه مورد رسیدگی حکم قانونی وجود داشته باشد، قاضی موظف است طبق قانون موجود رأی دهد. ساختار رأی به نحوی است که باید منطبق با قوانین موجود باشد. آنچه موقعیت رویه قضایی به عنوان منبع حقوق را تضعیف می کند، وابستگی آن به قانون است. به گفته برخی حقوق دانان در نظام حقوقی ایران، قاضی مأمور اجرای قانون و نگهبان آن بوده، موظف است که از حریم آن دفاع کند. (کاتوزیان، ۱۳۶۵، ج ۲، ش ۳۳۳)

ج) قانون اساسی به قضات فقط اجازه تفسیر قانون را داده است. اختیار تفسیر قانون به معنای اختیار خلق قاعده حقوقی جدید نیست. تفاسیر قضات باید بر اساس مضمون و روح قوانین موجود استوار باشد؛^۳ د) یکی از ویژگی های قاعده حقوقی، کلی بودن آن است، ولی رأی دادگاه فاقد این ویژگی می باشد. به همین دلیل است که در قوانین ما قضات از وضع قاعده کلی منع شده

Carbonnier, J., Droit Civil, introduction, Puf, 1955, n 142¹ -.

3-Michaut, Fr., Le role createur du juge selon l'ecole de la sociological jurisprudence, R. I. D. C., 1987, P. 343.

مدنی قانون 1 ماده اساس شود. بر می حقوق محسوب منبع قضایی عرف، رویه و قانون غیاب سویس، در مانند ژرمنی رومی نظام تابع کشورهای از برخی - در³ کرد. می وضع را قاعده بود، آن گذار قانون خود اگر که دهد می رأی ای طبق قاعده بر عرف، قاضی یا قانون وجود عدم صورت سویس، در

اند.^۱ حتی در جایی که قانون ساکت است، قاضی نمی تواند قاعده وضع کند، بلکه باید در هر دعوا به طور خاص رأی صادر کند. قاضی بازگو کننده حقوق است نه ایجادکننده حقوق؛^۲ ه) یکی از ویژگی های قاعده حقوقی الزام آور بودن آن برای همگان است. در نظام حقوقی ما، اصل بر این است که رأی یک دادگاه برای سایر محاکم الزامی ایجاد نمی کند. توجه به این نکته لازم است که در نظام حقوقی ایران سالانه چندین میلیون رأی از محاکم قضایی و شبه قضایی صادر می شود. اگر همه این آرا منبع حقوق و برای محاکم مختلف الزام آور باشد، چه آشفتگی عظیمی بر جامعه حکم فرما خواهد شد؛ و) یکی از ویژگی های قاعده حقوقی داشتن ضمانت اجراست. رأی دادگاه فاقد ضمانت اجرای تخلف از آن است.^۳

۲- رویه قضایی به معنای خاص

۲-۱- مفهوم رویه قضایی به معنی خاص

در قانون اساسی ما، قضات حتی در صورت سکوت و نقص و اجمال و تعارض قوانین ملزم به رسیدگی به دعوا هستند. اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر می دارد: «قاضی نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» خودداری از رسیدگی به دعوا، استنکاف از احقاق حق محسوب می شود و مجازات دارد. نتیجه منطقی الزام قاضی به رسیدگی حتی در موارد سکوت و نقص و اجمال قانون این است که قاضی در این گونه موارد مجاز باشد عیب قانون را مرتفع سازد. راه حلی را که هر دادگاه در مقام رسیدگی به دعاوی مشابه ارائه می کند، بر اثر تکرار مداوم برای آن دادگاه به رویه تبدیل می شود. ممکن است سایر دادگاه ها نیز از همان راه حل پیروی کنند، در این صورت این راه حل تبدیل به رویه ای می شود که بسیاری از محاکم به آن عمل می کنند. هر چه تعداد دادگاه هایی که یک راه حل را اعمال می کنند بیشتر باشد، آن رویه فراگیرتر و قوی تر به نظر می رسد و بر اعتبار معنوی آن اضافه می شود. بنابراین، منظور از رویه، راه حلی است که اغلب دادگاه ها در حل و فصل دعاوی در پیش می گیرند. در واژه «رویه» مفهوم تکرار نهفته است. بدین ترتیب، یک راه حل قضایی زمانی به «رویه» تبدیل می شود که مدت ها و بارها توسط دادگاه های مختلف تکرار شده باشد. به تعبیر دیگر، تکوین رویه قضایی امری تدریجی است و با صدور یک رأی قابل ایجاد نیست.^۴ محاکم مختلف در مقام تفسیر و اجرای قوانین، ممکن است از یک قانون استنباط های متفاوت داشته باشند و آرای متناقضی صادر کنند و در نتیجه رویه های متفاوتی پدید آید. تعدد رویه های دادگاه ها تداعی کننده بی عدالتی است. عدالت اقتضا می کند که میان رویه های متکثر سازش و آشتی برقرار گردد. در نظام حقوقی ایران «هیئت عمومی دیوان عالی کشور» مأموریت یافته است که میان رویه های متعارض وحدت ایجاد کند. هیئت عمومی نظر خود درباره دو رأی متعارض را به صورت یک تصمیم رسمی اعلام می کند. تصمیم هیئت عمومی دیوان عالی کشور به انتخاب یکی از دو رأی متعارض «رأی وحدت رویه» نامیده می شود.

^۱ - ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مقرر می دارد: «دادگاه ها مکلف اند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند».

^۲ - Marty G. et Raynaud P., Droit civil, Introduction generale a l' etude du droit, n 120, p. 219.

^۳ - Ripert Georges, Les forces creatrices du droit, n 159.

^۴ - No single decision makes law.

۲-۲- شرایط صدور رأی وحدت رویه

در نظام حقوقی ایران برای صدور رأی وحدت رویه قضایی و اداری شرایطی به شرح ذیل مقرر شده است:

۱-۲-۲- شرایط صدور رأی وحدت رویه قضایی

۱-۱-۲-۲- وجود آرای متعارض

اولین شرط برای صدور رأی وحدت رویه وجود دو رأی متعارض است. در نظام حقوقی ایران تعارض آرای دادگاه ها در تمامی سطوح منشأ ایجاد رأی وحدت رویه خواهد شد. طبق آخرین اصلاحات قانونی در نظام حقوقی ایران، رأی وحدت رویه در صورتی قابل صدور است که آرای متعارض از دو شعبه دادگاه یا دو شعبه دیوان عالی کشور یا یک شعبه دادگاه و یک شعبه دیوان عالی کشور صادر شده باشد.^۱ بنابراین، اگر دو رأی متعارض از یک شعبه دادگاه صادر شده باشد، موجبات صدور رأی وحدت رویه قضایی فراهم نمی گردد.^۲ اگر یکی از دو رأی متعارض، اصراری باشد، صدور رأی وحدت رویه بلامانع است. البته آرای متعارض هنگامی مستند صدور رأی وحدت رویه قرار می گیرند که قطعی شده باشند.

۲-۲-۱-۱-۲- تشکیل هیئت عمومی دیوان عالی کشور و صدور و انشای رأی

هیئت عمومی دیوان عالی کشور که مجاز به صدور رأی وحدت رویه است، هیئتی متشکل از رؤسا، مستشاران و معاونین کلیه شعب مدنی و کیفری است که به ریاست رئیس دیوان عالی کشور و با حضور دادستان کل کشور تشکیل می شود. رأی اکثریت هیئت عمومی رأی وحدت رویه محسوب می شود. تقاضای تشکیل هیئت عمومی دیوان عالی کشور در صلاحیت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور است. (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) هر یک از این دو مقام به هر طریقی از صدور آرای متعارض در محاکم دادگستری مطلع گردد، مکلف است تشکیل هیئت عمومی را درخواست کند. قضات دیوان عالی کشور، قضات دادگاه ها، دادستان ها و وکلای دادگستری می توانند از طریق این دو مقام درخواست تشکیل هیئت عمومی کنند. پس از بحث و مذاکره دیدگاه های مختلف به رأی گذاشته می شود. تصمیم اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه نامیده می شود.

۲-۲-۲- شرایط صدور رأی وحدت رویه اداری

در نظام حقوقی ایران، محاکم اداری در کنار محاکم قضایی به حل و فصل اختلافات اداری میان دولت و مردم اقدام می کنند. دیوان عدالت اداری به عنوان عالی ترین مرجع رسیدگی اداری، عهده دار رسیدگی به دعاوی علیه دولت و تصمیمات مقامات اداری است. این دیوان دارای شعب متعددی است. هر شعبه دیوان یک دادگاه مستقل محسوب می شود و مستقلاً رأی صادر می کند. شعب دیوان ممکن است آرای متعارض صادر کنند. پس از وقوع انقلاب اسلامی و در زمان آغاز به کار دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی ایران، این پرسش مطرح شده بود که اختلاف شعب دیوان عدالت اداری برای صدور رأی وحدت رویه به

^۱ طبق قانون سال ۱۳۱۹ «صدور آرای متعارض از دادگاه هایی که به دعاوی امور حسبی رسیدگی می کنند» و طبق قانون سال ۱۳۲۸ «صدور آرای متعارض از شعب دیوان عالی کشور» و طبق قانون سال ۱۳۳۷ «صدور آرای متعارض از محاکم عادی اعم از حقوقی و کیفری» منشأ صدور رأی وحدت رویه اعلام شده بود. لیکن طبق آخرین اصلاحات قانونی در سال ۱۳۹۲، اختلاف آرای همه دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور در کلیه دعاوی، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، مجوز صدور رأی وحدت رویه است

^۲ البته در دیوان عدالت اداری طبق ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری، آرای متعارض از یک شعبه نیز موجب صدور رأی وحدت رویه است.

دیوان عالی کشور فرستاده شود یا بهتر است که به خود دیوان عدالت اداری اجازه صدور رأی وحدت رویه داده شود؟ قانون اساسی در این باره ساکت است. با توجه به اینکه قانون اساسی تعیین حدود اختیارات و نحوه عمل دیوان را به قانون محول نموده است، (اصل ۱۷۳ قانون اساسی) دیدگاه دوم غلبه یافت؛ یعنی مجلس اختیار صدور رأی وحدت رویه را به هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز اعطا نمود. دادن مجوز صدور رأی وحدت رویه به دیوان عدالت اداری توسط مجلس محل ایراد است. پاره ای از این ایرادات به شرح ذیل است:

الف) رأی وحدت رویه در حکم قانون برای همه محاکم لازم الاجرا می شود. همین ویژگی رأی وحدت رویه اقتضا می کند که مرجع صدور چنین آرای بیستی در قانون اساسی معین شود نه در قانون عادی؛

ب) در قانون اساسی ایجاد وحدت رویه قضایی فقط به دیوان عالی کشور اعطا شده است؛^۱ (ج) با وجود اینکه نهاد دیوان عدالت اداری در قانون اساسی پیش بینی شده است، ولی در قانون اساسی اختیار صدور رأی وحدت رویه به آن داده نشده است. از نظر اصول حقوق عمومی، دادن این اختیار در قانون عادی به این نهاد مغایر قانون اساسی است؛ (د) اصل استقلال قاضی در استنباط از قانون، ایجاب می کند که قضات مکلف نباشند از آرای قضات دیگر تبعیت نمایند. رأی وحدت رویه مستثنا بر این قاعده است، یعنی قاضی را مکلف می کند از استنباط قضات دیگر تبعیت نماید. در این استثنا باید به قدر متیقن اکتفا شود و قدر متیقن اعطای اختیار به دیوان عالی کشور است که در قانون اساسی به صراحت ذکر شده است. (ه) دیوان عالی کشور در رأس تمام دادگاه های عمومی و اختصاصی کشور از جمله دادگاه های نظامی و دادگاه های اداری قرار دارد. اگر به موجب قانون عادی به یک دسته از محاکم، یعنی محاکم اداری، اجازه صدور رأی وحدت رویه داده شود، سایر اقسام محاکم مانند محاکم نظامی نیز ممکن است تقاضای صدور رأی وحدت رویه داشته باشند. زیرا محاکم نظامی نیز درست همانند دیوان عدالت اداری بر اساس قانون اساسی تشکیل شده اند؛^۲ (و) در قانون اساسی وظیفه «نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات در محاکم» و وظیفه «ایجاد وحدت رویه» با هم به دیوان عالی کشور اعطا گردیده است. این دو وظیفه لازم و ملزوم یکدیگرند. از تلازم میان این دو وظیفه می توان دریافت که مرجعی صلاحیت اعمال وظیفه دوم را دارد که برای انجام وظیفه اول نیز صلاحیت داشته باشد. دیوان عدالت اداری که بر اساس قانون اساسی وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات در محاکم را بر عهده ندارد، نمی تواند وظیفه دوم یعنی اختیار ایجاد وحدت رویه را بر عهده گیرد. (ز) دیوان عدالت اداری محکمه مستقلی در عرض دیوان عالی کشور نیست. از نظر اصول قضایی عالی ترین مرجع رسیدگی دیوان عالی کشور است. اگر دیوان عدالت اداری تابع نظارت دیوان عالی کشور نباشد، در نظام حقوقی ایران، دو دیوان به صورت دو جزیره مستقل عمل خواهند کرد که خلاف اصل وحدت رسیدگی قضایی است؛ لذا بهترین شیوه این است که صدور آرای وحدت رویه مربوط به همه دادگاه ها به صورت متمرکز و به عهده دیوان عالی کشور به عنوان بالاترین مرجع قضایی کشور باشد. در اصل ۸۸ متمم قانون اساسی مشروطه نیز مقرر شده بود که:

۱- اصل ۱۶۱ قانون اساسی مقرر می دارد: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود، بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند، تشکیل می گردد.»

۲- اصل ۱۷۲ قانون اساسی مقرر می دارد: «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می شود.»

«حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی به موجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است.» بنابراین، طبق قانون اساسی مشروطه نیز رفع اختلاف میان آرای صادره از مراجع اداری در صلاحیت دیوان عالی کشور بود.^۱ با توجه به موارد فوق بهتر آن است که اختلاف آرای شعب دیوان عدالت اداری نیز مانند سایر اقسام محاکم برای صدور رأی وحدت رویه به دیوان عالی کشور فرستاده می‌شد. در هر صورت در وضعیت کنونی، دیوان عدالت اداری اجازه صدور رأی وحدت رویه پیدا کرده است. ایجاد وحدت رویه اداری میان آرای شعب بر عهده هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است که متشکل از رؤسا و مستشاران شعب دیوان می‌باشد. دیوان عدالت اداری به دو طریق رأی وحدت رویه صادر می‌کند.^۲

۱-۲-۲-۲- رأی وحدت رویه بر اساس آرای متعارض

هرگاه یک یا چند شعبه دیوان عدالت اداری آرای متعارض صادر کنند، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری از میان آرای متعارض یکی را انتخاب و به عنوان رأی وحدت رویه اعلام می‌کند.

ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ مقرر می‌دارد:

«هرگاه در موارد مشابه آرای متعارض از یک یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع، موضوع را ضمن تهیه و ارائه گزارش در هیئت عمومی دیوان مطرح نماید. هیئت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض و اعلام رأی صحیح، نسبت به صدور رأی اقدام می‌نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

طبق این ماده، اگر در یک شعبه دیوان دو رأی متعارض صادر شود، هیئت عمومی می‌تواند یکی از دو رأی را به عنوان وحدت رویه اعلام نماید. این شیوه ایجاد رویه قابل ایراد است.

۲-۲-۲-۲- رأی وحدت رویه بر اساس آرای مشابه

زمانی به کار می‌رود که اختلاف و تعارض آرا وجود داشته باشد. «وحدت رویه» اصولاً واژه‌ای وقتی که تعارضی وجود نداشته باشد، وحدت معنی ندارد. با وجود این، قانون ما به دیوان عدالت اداری تکلیف نموده است که از نوحده، «وحدت» بسازد. طبق این رویکرد، هرگاه دو یا چند شعبه دیوان عدالت اداری در موضوع معینی رأی مشابه صادر کرده باشند، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌تواند مفاد آرای مشابه دو یا چند شعبه دیوان را به عنوان «رأی وحدت رویه» اعلام کند. ماده ۹۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مقرر می‌دارد:

«هرگاه در موضوع واحد حداقل پنج رأی مشابه از دو یا چند شعبه دیوان صادر شده باشد، رئیس دیوان می‌تواند موضوع را در هیئت عمومی مطرح و تقاضای تسری آن رانسبت به موضوعات مشابه نماید. در صورتی که هیئت عمومی آرای صادر شده را صحیح تشخیص دهد، آن را برای ایجاد رویه تصویب می‌نماید. این رأی برای سایر شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط لازم الاتباع است.»

^۱ طبق ماده ۱۴ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین شعب دیوان و سایر مراجع قضایی،

شعب دیوان عالی کشور است. همین امر نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران عالی‌ترین مرجع قضایی دیوان عالی کشور است.

^۲ -بند ۲ و ۳ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲.

بر طبق این ماده، همین که تعداد آرای مشابه صادره از دو یا چند شعبه به پنج عدد برسد، هیئت عمومی آن رأی را به عنوان رویه برای همه شعب دیوان الزامی می‌سازد. بر این شیوه صدور رأی وحدت رویه چند ایراد وارد است: ایراد اول این است که معلوم نیست معیار شباهت پنج رأی صادره چیست؟ ایراد دوم این است که اگر هم زمان آرای متعارضی از سایر شعب صادر شده باشد، باز هم این شیوه ایجاد رأی وحدت رویه تجویز می‌شود یا نه؟ ایراد سوم این است که هیئت عمومی با اقدامی شتاب زده و زودهنگام، امکان شکل‌گیری رویه‌های مخالف را از شعب دیوان سلب می‌کند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با این اقدام خود به خلق رویه می‌پردازد. در این شیوه به بهانه ایجاد رویه، نظر حداقل دو تن از قضات دیوان عدالت اداری بدون شرط شکل‌گیری رویه، برای همه دادگاه‌ها الزام آور اعلام می‌شود و ابتکار عمل را از قضات دادگاه‌ها سلب می‌کند و مانع رشد و بالندگی اندیشه حقوقی می‌شود. در واقع شیوه دوم با مد نظر قرار دادن آرای مشابه، قلمرو شیوه اول را محدود می‌سازد و مجالی برای بروز آرای مخالف باقی نمی‌گذارد.

۳-۲-۲- منبع حقوق بودن آرای وحدت رویه

پرسش اساسی این است که آیا رویه قضایی به معنای اخص منبع حقوق است؟ در پاسخ باید گفت که در نظام حقوقی ایران رویه قضایی به معنای اخص منبع ایجاد حقوق نیست. زیرا قاضی طبق قانون اساسی ما حق ایجاد قاعده حقوقی را ندارد. ولی آرای وحدت رویه منبع تکمیلی حقوق محسوب می‌شوند. حقوق دانان کشور ما تکمیلی بودن رأی وحدت رویه را پذیرفته‌اند. (اعتدال، ۱۳۷۹: ۴۸) یعنی مفاد این آرا در صورتی که قانونی بر خلاف آن موجود نباشد، برای همه دادگاه‌ها الزام آور تلقی می‌شود. رأی وحدت رویه همانند قانون برای همه دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است. در امور کیفری، آرای وحدت رویه فقط بیان قصد مقنن است و نمی‌تواند قاعده حقوقی ایجاد کند. (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۱: ۲۰۰) حقوق دانان در نظام حقوقی ایران با تأکید بر این جنبه رویه قضایی می‌گویند.

«در مواردی که دیوان کشور می‌تواند برخلاف اصل کلی، آرای نوعی صادر کند و سایر محاکم را ناگزیر از رعایت آن سازد، رویه قضایی در ردیف منابع رسمی حقوق قرار می‌گیرد.» (کاتوزیان، مقدمه علم حقوق: ش ۱۶۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۸۹) بنابراین رویه قضایی زمانی منبع حقوق محسوب می‌شود که قوانین درباره قضیه مطروحه ساکت، ناقص یا مجمل بوده یا با قوانین دیگر در تعارض باشد. در این صورت قضات با مراجعه به منابع دیگر مانند عرف، رویه قضایی، دکترین و اصول حقوقی و با اجتهاد و تفسیر خود به صدور رأی مبادرت می‌ورزند. البته در چنین وضعی قضات اقدام به خلق قاعده حقوقی در سطحی بسیار نازل می‌کنند.^۱ بنابراین، رویه قضایی با ارائه تفسیری سازنده از قوانین می‌تواند در رفع نقص از این منبع حقوق نقش مهمی ایفا نماید.

جرم سرقت

واژه سرقت در کتاب‌های لغت به معنای گرفتن شیء در پنهان است و در معنای آن مفهوم خفا و پنهان اخذ شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ه. ق. ذیل واژه سرقت) از این رو به طور کلی یکی از معانی آن پوشیده و مخفی شدن است و «سرقت» به معنای «خفی» آمده است. «فیروزآبادی، ۱۴۰۷، ه. ق. ذیل واژه سرقت» استراق سمع یعنی مخفیانه گوش دادن (ابن منظور، ۱۳۶۳) در قرآن کریم نیز چنین آمده است: «الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین.» (حجر/۱۸)

^۱-Marty G. et Raynaud P. , Droit civil, Introduction generale a l' etude du droit, p. 219 .

ابن منظور در تعریف سارق چنین می گوید: السارق عند العرب من جاء مستترا الى حرز فاخذ منه ما ليس له. سارق نزد عرب، کسی است که به طور پنهانی به سوی حرز می آید و چیزی را که از خودش نیست بر می دارد. (ابن منظور، ۱۳۶۳).
با توجه به مطالب فوق به دست می آید که سرقت از دیدگاه اهل لغت، دارای سه رکن و یا به عبارتی چهار رکن است: ۱- برداشتن شیء ۲- از آن دیگری بودن ۳- پنهانی بودن ۴- منقول بودن، این رکن ملازم با مفهوم برداشتن است زیرا شیء غیرمنقول قابل برداشتن نیست، لذا ذکر مستقل آن ضرورتی ندارد. منطقاً چنانچه یکی از ارکان یاد شده مفقود شود، مفهوم سرقت تحقق پیدا نمی کند. لذا اگر مال منقول نباشد و یا اگر منقول بود، برداشتن آن پنهانی نباشد و یا اگر پنهانی بود، از دیگری نباشد، عمل انجام شده سرقت نخواهد بود.

با تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، در قوانین کیفری ایران، بدون اینکه جرم سرقت تعریف شود، برای آن مجازات تعیین شد. همچنین در ماده ۲۲۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ که عیناً همان ماده قانونی، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ است، بدون اشاره به تعریف سرقت مقرر داشته بود:

هرگاه سرقت جامع شرائط مقرر در شرع نبوده ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، جزای مرتکب، حبس دائم است. پس از انقلاب اسلامی با دگرگونی در ساختار سیاسی کشور، برخی قوانین نیز دچار تحول گردید. از آن دسته می توان قانون مجازات عمومی را نام برد که با تصویب قانون حدود و قصاص، جایگزین قانون مذکور گردید. از جمله مقرراتی که در قانون حدود و قصاص تغییر یافته، مقررات درباره جرم سرقت است که طی مواد ۲۱۲ تا ۲۱۸ قانون یاد شده، مورد حکم قرار گرفته بود.

ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص چنین نگاشته شده بود: سرقت عبارت است از اینکه انسان مال دیگری را بطور پنهانی بر باید. مطابق ماده ۲۱۵ همان قانون، سرقت در صورتی موجب حد می شد که شرایطی را داشته باشد، از جمله بایستی سرقت به صورت مخفیانه انجام می گرفت. مقایسه ماده ۲۱۲ که به تعریف سرقت پرداخته و در آن قید به طور پنهانی آمده بود، با ماده ۲۱۵ که شرائط سرقت موجب حد را ذکر کرده و از آن جمله شرط مخفیانه بودن سرقت را مطرح کرده بود، این پرسش را برمی انگیزد که آیا قید به طور پنهانی در تعریف سرقت، از جمله ارکان تشکیل دهنده جرم سرقت است، آنگونه که در ماده ۲۱۲ ذکر شده بود و یا در زمره شرایط سرقت موجب حد به شمار می رود، آنگونه که در ماده ۲۱۵ آمده بود؟ پاره ای از نویسندگان حقوق کیفری بر این عقیده بوده و هستند که قید به طور پنهانی در تعریف سرقت از جمله شرایط سرقت حدی است و نمی توان آن را در ردیف ارکان تشکیل دهنده سرقت محسوب نمود.

با توجه به پرسش فوق و ابهامی که در تعریف سرقت با مقایسه ماده ۲۱۵ قانون حدود و قصاص وجود داشت، قانونگذار در سال ۱۳۷۰ با تصویب قانون مجازات اسلامی، که بایستی به طور آزمایشی تا پنج سال اجرا می شد تغییراتی را در برخی مواد قانون حدود و قصاص بوجود آورد. از آن جمله می توان تغییر شکلی اندک را در تعریف سرقت نام برد. انونگذار در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین مقرر داشت: سرقت عبارت است از: ربودن مال دیگری به طور پنهانی.

همانگونه که ملاحظه می شود، قانونگذار قید به طور پنهانی را در تعریف سرقت حفظ کرده است، ولی در ماده ۱۹۸ همان قانون که بیانگر شرائط سرقت موجب حد است، قید مخفیانه را از زمره شرائط حذف نموده است و با این عمل، این نظریه را که مخفیانه بودن از جمله شرائط سرقت موجب حد است، رد کرده و عملاً بیان داشته که قید به طور پنهانی بایستی در ردیف ارکان تشکیل دهنده سرقت شمرده شود. با این حال برخی از نویسندگان حقوق کیفری بر این عقیده اند که عمل قانونگذار درباره حفظ قید به طور پنهانی در تعریف سرقت، درست نیست و بایستی قید مذکور در زمره شرایط سرقت موجب حد ذکر

گردد. از این رو یکی از اهداف نوشته حاضر از یک سو بررسی این مساله است که ارکان تشکیل دهنده جرم سرقت چیست و آیا بایستی در تعریف آن قید به طور پنهانی را اخذ نمود یا خیر؟

از سوی دیگر با توجه به تعریف قانونگذار از سرقت، به دست می آید که سرقت لزوما مخفیانه است و بایستی پنهانی انجام پذیرد، در نتیجه دزدی هایی که بگونه آشکار و علنی واقع می شوند، زیر عنوان سرقت شمرده نمی شوند. بدین جهت این پرسش تداعی می کند که تکلیف دزدی هایی مانند کیف زنی که علنا و آشکارا صورت می پذیرد، چیست و تحت چه عنوانی مرتکبین آن مجازات می شوند؟

پس از سپری شدن دوره پنجاه ساله آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و آشکار شدن برخی نقاط ضعف و پرسشها درباره قانون مذکور، قانونگذار مجددا در سال ۱۳۷۵ پاره ای از تغییرات و اصلاحات را در برخی موارد آن، بویژه درباره مقررات سرقت بوجود آورد و فصل جدیدی را، که سابقا وجود نداشت، زیر عنوان سرقت و ربودن مال غیر گشود و طی مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ انواع گوناگون سرقت و ربودن مال غیر را به ضمیمه خرید و فروش، تحصیل و اختفای اموال مسروقه و همینطور تکرار در جرم سرقت را مورد حکم قرار داد.

نکته قابل توجه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، طرح عنوان ربودن مال غیر در کنار عنوان سرقت است. مطالعه و مقایسه مواد یاد شده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در فصل بیست و یکم آن ذکر شده، ممکن است شبهاتی را به وجود آورد. به عنوان مثال در ماده ۶۶۵ قانون یاد شده، چنین آمده است:

هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، به حبس از شش ماه تا یکسال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد، به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد. پرسش این است که چگونه ممکن است کسی مال دیگری را بر باید ولی عمل وی مشمول عنوان سرقت نشود؟

از سوی دیگر قانونگذار در ماده ۶۵۷ همان قانون مقرر می دارد: هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن شود، به حبس از یک تا پنج سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تعریف سرقت رایانه ای

در موضوع شناسی سرقت مجازی، تعریفی که برای سرقت سنّی گفته می شود که با توجه به عبارات فقها عبارت است از: گرفتن مال دیگری از حرز به طور پنهانی و بدون حقّ (ر. ک: شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳/۸؛ شیخ طوسی، بی تا: ۱۶۹/۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸: ۴۱۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۹۶/۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۳۴؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۵۲۳ و سید بن قطب، ۱۴۰۸: ۸۸۳/۲) قابل اعمال است و مواردی که قیود تعریف مذکور را نداشته نباشند، از حیطه بحث سرقت خارج و ممکن است عنوان جزایی خاصی به خود بگیرد.

لازم به ذکر است که صرف تحقق سرقت نمی تواند حدی را در پی داشته باشد، بلکه تنها در صورتی می تواند مستوجب حدّ باشد، که دارای یک دسته از شرائط باشد. در حال حاضر، قانونگذار ضمن ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی، ۳۵ شرط را برای سرقت حدّی بیان نموده است. مبانی فقهی و مباحث حقوقی این شرائط به صورت مفصل در جای خود ذکر شده و نیازی به تحلیل و بررسی مجدد آن نیست و در مجموع باید گفت: اعتبار این شرائط در سرقت مستوجب حدّ، اجماعی است (محقق اردبیلی، بی تا: ۶۶۴) و در تطبیق این شرائط در سرقت های مجازی، شک و شبهه ای نیست، البته ممکن است در تطبیق

قیودی چون مالیت داشتن مسروق، پنهانی صورت گرفتن عمل سرقت، حرزیت اموال، هتک حرز و اخراج متاع از حرز، سؤالاتی مطرح شود که اینک به صورت خلاصه به تبیین هر یک از آنها می پردازیم:

۱- مالیت داشتن

اگرچه در قدیم، تمامی اموال و دارایی هایی که دارای ارزش اقتصادی بودند، به صورت مادی و قابل رؤیت و ملموس بودند اما با پیدایش تکنولوژی کامپیوتری این واقعیت که داده های عینی غیر ملموس نیز می تواند دارای ارزش اقتصادی باشند و به تبع آن اطلاعات موجود در رایانه نیز می تواند موضوع ارتکاب جرم قرار گیرند، امری انکار ناپذیر است. بر این اساس، موضوع در سرقت رایانه ای داده هاست که به عنوان نماینده اموال مادی در سیستم های پردازش داده هاست؛ زیرا در اصطلاح فقها هر چیزی که دارای منفعت حلال و مورد رغبت عقلا باشد و شارع آثار مالیت را بر آن مترتب کند و طبعاً بیع، صلح و دیگر تصرفات در آن را اجازه دهد و اتلاف آن را موجب ضمان بداند، مال محسوب می شود. در مقابل، هر چیزی که منافع حلال ندارد و شارع مقدس نیز آثار مالیت را بر آن بار نکرده باشد، مال شمرده نمی شود (خمینی، ۱۴۲۱: ۱۰/۳) بنابراین از نظر فقهی، مال انگاشتن اشیاء علی الأصول تابع عرف عقلای مردم است و در این مورد، شارع از پیش خود تأسیسی به وجود نیاورده است و بر همین اساس باید گفت که «مال» نه حقیقت شرعی دارد و نه حقیقت متشرعی (پیلوار، ۱۳۹۲: ۹) با توجه به عبارت فوق، ملاک مالیت در داده ها نیز می تواند در عصر کنونی وجود داشته باشد و به تبع آن داده ها نیز مال محسوب شوند. البته توجه به این نکته لازم است که در سرقت مجازی و اینترنتی، اخذ اسناد و داده هایی که جنبه مالیت را دارا بوده باشند، محل بحث است؛ نه هرگونه اسناد و داده هایی که در فایل اشخاص ذخیره شده است.

۲- پنهانی بودن سرقت

ممکن است پرسشی در رابطه با قید پنهانی صورت گرفتن عمل سرقت در اینجا مطرح شود، و آن این که پنهانی بودن عمل سرقت، در سرقت های مجازی در چه محلی مد نظر قرار می گیرد؟ آیا ملاک، محل وقوع جرم است یا این که ملاک، آن محلی است که فعالیت های مجرمانه شکل می گیرد؟

بدون شک در سرقت های سنتی و کلاسیک، سرقت باید در محل وقوع جرم به شکل پنهانی صورت گیرد؛ یعنی پنهانی بودن سرقت در محل وقوع جرم ملاک قرار گرفته می شود، ولی در سرقت های مجازی با سؤال فوق مواجهیم. در پاسخ از سؤال فوق باید گفت: سرقت با توجه به روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸/۲۶۸)

تنها در صورتی می تواند مستوجب حدّ باشد که در تمامی مراحلش به صورت پنهانی صورت گیرد. با توجه به این که در سرقت های سنتی، مراحل سرقت تنها به محل وقوع جرم ختم می شود، لذا در سرقت های سنتی، فقط پنهانی بودن عمل سرقت در محل وقوع جرم، مدنظر است اما در سرقت های مجازی با توجه به این که مراحل عمل سرقت، به محل وقوع فعالیت های مجرم ختم نمی شود بلکه گذشته از آن، محل دیگری نیز می باشد که داده ها از آنجا برداشته می شود، علی القاعده می بایست در سرقت های مجازی، گذشته از مدنظر قرار دادن عمل ربودن در محلی که سارق در آنجا فعالیت های مجرمانه اش را انجام می دهد، عمل پنهانی در محلّی که داده ها از آنجا برداشته می شود نیز باید مورد لحاظ قرار گیرد.

در صورتی که اگر به دلایل مختلفی نتوان پنهانی بودن عمل سرقت را در محلی که داده ها از آنجا برداشته شده است، احراز نمود حدّ با تمسک به قاعده «درء» ساقط است. توضیح این که آیه سرقت «السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا

نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. « (مائده: ۳۸) و روایات وارده در زمینه اجرای حدّ سرقت بر سارق (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸ / ۲۴۳-۲۴۹ و ۲۷۶-۲۷۷) عموماً می‌هستند که روایات دالّ بر لزوم پنهانی ماندن اموال به عنوان یکی از شرایط سرقت مستوجب حدّ (همان: ۲۶۸) به صورت منفصل آن را تخصیص می‌زند؛ از طرفی در مفهوم پنهانی بودن عمل سرقت تردید داریم و نمی‌دانیم که آیا معنای وسیعی دارد به طوری که شامل پنهانی صورت گرفتن اعمال سارق در محلی که داده‌ها از آنجا برداشته شدند، می‌گردد یا نه؟ در نتیجه، شبهه مفهومی ایجاد می‌شود و با وجود چنین شبهه‌ای، قدر متیقّن از مفهوم پنهانی، تنها پنهانی صورت گرفتن اعمال سارق در مکانی است که مجرم، فعالیت‌های مجرمانه‌اش را در آنجا انجام می‌دهد، نه اعم از این مکان و مکانی که داده‌ها در آنجا برداشته می‌شود. بر این اساس، مفهوم پنهانی ماندن اعمال سرقت نسبت به پنهانی ماندن اعمال سارق در مکانی که مال از آنجا برداشته می‌شود، مشکوک است و به تبع آن شکّ می‌کنیم که آیا در این صورت، حدّ قطع اجرا می‌شود یا نه؟ بر حسب مقتضای قاعده، باید مانند مواردی که یقین داریم حدّ قطع را اجرا کنیم؛ زیرا در صورتی که خاصّ دچار اجمال شود و در عین حال، شبهه نیز مفهومی بوده و امر نیز دائر بین اقل و اکثر باشد، اجمال آن نمی‌تواند به عموم عام سرایت کند، بلکه آن مقداری که یقیناً تخصیص خورده (یعنی پنهانی صورت گرفتن اعمال سارق در مکانی که مجرم فعالیت‌های مجرمانه‌اش را در آنجا انجام می‌دهد) از تحت عامّ خارج می‌شود و مابقی (پنهانی صورت گرفتن اعمال سارق در محلی که داده‌ها از آنجا برداشته شده‌اند) تحت عموم عامّ قرار می‌گیرد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۲۰؛ مظفر، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۴۸؛ تبریزی، بی تا: ۴۹؛ بروجردی، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۹۲؛ نائینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۲۴)

و به تبع آن حدّ قطع- در صورتی که پنهانی بودن اعمال سارق در مکانی که اموال در آن برداشته می‌شود - اجرا می‌شود. منتها با توجه به این که قید پنهانی بودن عمل سرقت، داخل در مفهوم سرقت است (ر. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴ / ۴۸۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰ / ۵۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱ / ۴۸۸) آیه سرقت و روایات وارده در زمینه اجرای حدّ سرقت بر سارق، عموم خود را از دست داده و در نتیجه نمی‌توان به عموم آنها تمسّک نمود. لذا در این هنگام به خاطر وجود شکّ و شبهه، به مضمون قاعده «درء» تمسّک بسته و به تبع آن، حدّ قطع بر سارق جاری نمی‌شود. نیز در رابطه با اصل وجود قید پنهانی در سرقت مجازی باید گفت که این قید به طریق اولی در سرقت‌های مجازی می‌تواند وجود داشته باشد؛ چراکه در غالب موارد در سرقت‌های مجازی، فعالیت‌های رایانه‌ای پنهان است.

۳- حرزیت اموال

در رابطه با حرزیت داده‌ها که به عنوان اموال، در سرقت مجازی در نظر گرفته می‌شود، می‌توان گفت که جای مناقشه نیست؛ زیرا شخص مال باخته داده‌ها و اسناد خود را بنا بر فرض مسأله در فایل‌های قفل دار قرار داده است و ملاک در تشخیص و مصادیق حرز، عرف می‌باشد و چه بسا این شکل از حفاظت از نظر عرف در عصر امروزی، به نحو برتر از قفل با اجسام و اشیاء می‌باشد، لذا در محرز بودن اسناد و داده‌ها جای هیچ گونه بحثی نمی‌باشد؛ بنابراین با در نظر گرفتن اجماع فقها بر عرفی بودن مفهوم حرز (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۴ / ۳۷۷؛ صیمری، ۱۴۲۰: ۴ / ۲۴۵) می‌توان فایل‌های قفل دار را نیز به عنوان حرز به حساب آورد؛ چرا که در عصر کنونی که عصر تکنولوژی و فنّاوری است، این شکل از حفاظت‌ها بر حسب مقتضای عرف، حرز به حساب می‌آید.

۴-هتک حرز

افزون بر حرز هتک آن نیز باید از چشم انداز مفاهیم لغوی و نیز فنی مطالعه شود. چرا که در بسیاری از موارد، اختلاف در وصف تعزیری و یا حدی بودن حرز، ناشی از اختلاف در رخداد و یا عدم وقوع مفهوم هتک حرز است. بنابراین در ادامه، مفاهیم لغوی و اصطلاحی و نیز ملاک های تحقق هتک حرز از نظر گذرانده میشوند. هتک در لغت به مفهوم شکستن، پرده دری، رسواسازی، بی حرمتی و... آمده است (صادقی، ۱۳۹۳) بنابراین هتک حرز از دیدگاه لغوی به مفهوم بی حرمتی به مکان نگاهداری از مال است

هتک حرز به زبان ساده و در چشم انداز مفهوم اصطلاحی خود به مفهوم شکستن حرمت حرز است که ممکن است مادی یا معنوی باشد. (شکری، ۶۵۵: ۱۳۹۵) بدین ترتیب دانش واژه هتک حرز ناظر به از کار انداختن حرز است. در واقع، حرز به عنوان محل نگاهداری از مال شناخته می شود. اما هتک حرز از یک سو ناظر به تسلط بر مکان نگاهداری از مال است. خواه هتک وارد آن شود یا نه و از سوی دیگر نیز این تسلط هتک بر حرز مورد نظر، می تواند به ربایش مال منجر شود. به گونه ای که هتک آن را اخذ کرده و سپس از حرز خارج می نماید. نکته مهمی که باید در زمینه هتک حرز خاطر نشان شود این است که برای تحقق سرقت حدی لازم است که هتک حرز و سارق یکی باشند. بنابراین اگر سارق مال، در هتک حرز مربوطه صرفاً معاونت کرده و در واقع فرد دیگری اقدام به هتک آن کرده باشد، در این صورت نمی توان از هتک حرز محقق کننده سرقت حدی نام برد. هتک حرز از راههای گوناگونی انجام می شود و هرگز نمی توان تحقق آن را به یک یا چند نمونه محدود و منحصر کرد. برای نمونه، استفاده از فناوری های گوناگون در زمینه هتک حرز امری پذیرفتنی است و در صورت اجتماع آن با دیگر شروط مقرر نباید در تحقق سرقت حدی تردید کرد. نکته دیگری نیز که پیرامون مفهوم هتک حرز وجود دارد این است که به طور کلی هم در فقه کیفری، هم در دکتین حقوق کیفری و هم در قانون مجازات اسلامی و قوانین پیشین، به جای کوشش در تشریح این مفهوم و بیان ملاکهای آن، تنها به به تبیین نمونه هایی در این باره بسنده شده است. از همینرو نیز تبیین دقیق هتک حرز یکی از مهمترین ضروریات در قلمرو حقوق کیفری اختصاصی است.

هتک و شکاندن حرز (فایل) در فضای مجازی توسط الکترون ها صورت می گیرد، یعنی در سرقت رایانه ای، هتک حرز به صورت مجازی به خاطر مجازی بودن حرز به وقوع می پیوندد. به عبارت دیگر، با توجه به این که حرزیت اموال و داده ها در محیط مجازی صورت گرفته است و اموال و داده ها از نظر عرفی به صورت مجازی محرز می باشند، طبیعتاً برخورد با حرز و هتک آن نیز با توجه به ساختار همان حرز، به صورت مجازی رخ می دهد.

علی رغم اختلاف در موضوع شناسی حرز، تمام فقها غیر از ابن ابی عقیلی عمانی، بر اعتبار محرز بودن اموال مسروقه در تحقق حد سرقت اتفاق نظر دارند. برخی از روایات بر بی اعتباری حرزیت اموال در سرقت مستوجب حد دلالت دارند. اما بسیاری از این روایات با روایات اعتبار حرز قابل جمع اند آن دسته که قابل جمع نیستند نیز در تعارض با روایات دال بر اعتبار حرز ساقط می شوند. زیرا شهرت فتوایی بر اعتبار حرز وجود دارد. دست کم با توجه به دلالت بسیاری از روایات بر اعتبار حرز اموال در تحقق سرقت مستوجب حدو به تبع آن حصول شبهه حکمی، مقتضای قاعده درأ اجرا نشدن حد بر سارق در موارد فقدان حرزیت اموال خواهد بود. (حسین نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۶) پیشتر قلمرو مفاهیم حرز و هتک حرز روشن شد. در نتیجه پس از مطالعه جلوه های این اختلاف، نظر مشهور این فقها بیان می شود. در اینجا باید خاطرنشان شود که فقها در بازگشت معنا و مفهوم حرز به عرف، اجماع و اتفاق نظر دارند؛ ولی در برداشت مفهوم حرز از عرف اختلاف نظر بسیار شدیدی با یکدیگر دارند. (حسین نژاد، ۲۲۵: ۱۳۹۲) بنابراین به طور کلی باید اشاره شود

۳-۲ بررسی رویه قضائی ایران در مورد جرم سرقت رایانه‌ای

در دنیای امروز، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و گسترش استفاده از اینترنت و سامانه‌های رایانه‌ای، جنبه‌های مختلف زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این میان، سیستم قضائی ایران نیز به تبع توسعه فضای دیجیتال، با جرایمی همچون سرقت رایانه‌ای روبه‌رو شده است. سرقت رایانه‌ای از آن دسته جرایمی است که به‌خاطر ویژگی‌های خاص خود، به‌ویژه در زمینه اثبات جرم و شواهد دیجیتال، نیازمند رویه قضائی مشخص و در عین حال با رعایت دقت‌های فنی و حقوقی است. در این مقاله، به بررسی رویه قضائی ایران در رابطه با جرم سرقت رایانه‌ای پرداخته می‌شود، با تأکید بر نحوه برخورد محاکم با این نوع جرایم، مشکلات اجرایی و چالش‌هایی که قضات در مواجهه با پرونده‌های سرقت رایانه‌ای دارند.

۱. ارزیابی نخستین اقدامات قضائی در برخورد با سرقت رایانه‌ای

پس از تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، نظام قضائی ایران تلاش کرد تا به‌طور قانونی و مؤثر با جرایم رایانه‌ای مواجه شود. در آغاز، به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به سرقت رایانه‌ای، بیشتر توجه دادگاه‌ها بر شواهد فنی و دیجیتال متمرکز بود. به دلیل پیچیدگی‌های فضای مجازی، دادگاه‌ها نیاز به مشاوره‌های فنی و کارشناسی داشتند تا بتوانند پرونده‌ها را به‌طور مؤثر رسیدگی کنند. یکی از اولین چالش‌ها در این زمینه، ناآگاهی برخی از قضات از ویژگی‌های فنی و خاص این نوع جرایم بود (رحیمیان، ۱۳۹۹، ص ۱۹۴). در همین راستا، برخی از پرونده‌های سرقت رایانه‌ای با مشکلاتی مانند عدم توانایی در شناسایی و ارزیابی شواهد دیجیتال مواجه شدند.

برای مثال، در برخی از پرونده‌ها، شواهد دیجیتال مانند فایل‌های حذف‌شده یا اطلاعات بازیابی‌شده از رایانه‌ها به‌عنوان دلیل اصلی جرم مطرح می‌شد. اما در اغلب موارد، این شواهد به‌خاطر عدم آشنایی قضات با تکنیک‌های بازیابی اطلاعات، به‌عنوان شواهد معتبر پذیرفته نمی‌شدند (پیریان، ۱۳۹۷، ص ۱۸۲). این امر موجب شد تا دادگاه‌ها در برخی از موارد نتوانند تصمیمات درستی اتخاذ کنند و مجازات‌ها ناعادلانه یا به‌طور کلی نامناسب بودند.

۲. توسعه رویه قضائی و پذیرش شواهد دیجیتال

با گذشت زمان و افزایش پرونده‌های سرقت رایانه‌ای، سیستم قضائی ایران در تلاش بود تا رویه‌ای منسجم و قابل‌اعتماد برای رسیدگی به این نوع جرایم ایجاد کند. در این زمینه، در سال‌های اخیر با افزایش استفاده از کارشناسان دیجیتال و مشاوران فنی در دادگاه‌ها، روند رسیدگی به پرونده‌ها به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. محاکم از کارشناسان فنی برای تجزیه و تحلیل شواهد دیجیتال بهره می‌برند تا از صحت و دقت اطلاعات و داده‌های مربوط به جرم اطمینان حاصل کنند. این تحولات باعث شد تا برخورد دادگاه‌ها با سرقت‌های رایانه‌ای دقیق‌تر و علمی‌تر شود.

در برخی از پرونده‌ها، شواهد دیجیتال مانند ایمیل‌های هک‌شده، اطلاعات حساب‌های بانکی سرقت‌شده یا دسترسی غیرمجاز به سرورهای اطلاعاتی به‌عنوان شواهد اصلی برای اثبات سرقت رایانه‌ای استفاده شدند. این تغییرات به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به سرقت‌های مالی و اقتصادی که شامل دسترسی به اطلاعات مالی و بانکی می‌شدند، اهمیت زیادی پیدا کرده است (اسدی، ۱۳۹۸، ص ۲۲۱). البته، هنوز هم در برخی موارد، چالش‌هایی در تحلیل و تفسیر این شواهد وجود دارد که نیازمند بهبود آموزش‌های فنی قضات و کارشناسان دیجیتال است.

۳. تحلیل پرونده‌های سرقت رایانه‌ای در محاکم ایران

برای درک بهتر نحوه برخورد محاکم ایران با سرقت رایانه‌ای، بررسی چند نمونه پرونده و آرای قضائی می‌تواند مفید باشد. یکی از پرونده‌های مهم که در سال‌های اخیر مطرح شد، مربوط به دسترسی غیرمجاز به حساب‌های بانکی افراد و انتقال پول به حساب‌های دیگر بود. در این پرونده، متهمان از طریق هک کردن سیستم‌های بانکی، اطلاعات کارت‌های اعتباری افراد را سرقت کرده و وجوه مالی را به حساب‌های خود منتقل کرده بودند. این پرونده نشان‌دهنده یکی از چالش‌های جدی در مقابله با سرقت رایانه‌ای است که هم‌زمان نیازمند شواهد دیجیتال و تحلیل فنی دقیق بود (رحیمیان، ۱۳۹۹، ص ۱۹۶).

در این پرونده، دادگاه ابتدا به شواهد دیجیتال، از جمله آدرس‌های آی‌پی و ردپای اینترنتی متهمان، توجه کرد. در نهایت، پس از بررسی‌های فنی و مشاوره با کارشناسان دیجیتال، متهمان شناسایی و دستگیر شدند. این پرونده به‌خوبی نشان‌دهنده چگونگی تأثیر فناوری اطلاعات و تحلیل دیجیتال در اثبات جرم در دنیای امروز است. البته، برخی از کارشناسان به‌ویژه در اولین مراحل رسیدگی، از نبود هماهنگی میان دادگاه‌ها و مراجع فنی انتقاد کرده‌اند و این مسئله باعث طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده‌ها می‌شد.

۴. چالش‌های اثبات سرقت رایانه‌ای در محاکم ایران

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در رسیدگی به سرقت‌های رایانه‌ای، مشکل اثبات جرم است. در سرقت‌های سنتی، شواهد فیزیکی مانند انگشت‌نگاری، شاهدان و مدارک مستند وجود دارند که می‌توانند به اثبات جرم کمک کنند. اما در سرقت رایانه‌ای، بیشتر شواهد به‌صورت دیجیتال هستند و بنابراین نیازمند تحلیل‌های فنی پیچیده‌ای هستند که برخی قضات یا مقامات قضائی ممکن است به آن‌ها آشنایی نداشته باشند (پیریان، ۱۳۹۷، ص ۱۸۵). این چالش‌ها، به‌ویژه در مراحل اولیه رسیدگی به پرونده‌ها، موجب تأخیر در اجرای عدالت و حتی خطا در صدور حکم شده‌اند.

برای مثال، در برخی از پرونده‌های سرقت اطلاعات شخصی یا بانکی، عدم دسترسی به ابزارهای مناسب برای بازیابی اطلاعات حذف‌شده یا تغییر داده‌ها، موجب شده است که دادگاه‌ها نتوانند به‌طور دقیق به شواهد دست یابند. این مشکلات همچنین در پرونده‌هایی که شامل نفوذ به شبکه‌های دولتی یا اقتصادی هستند، مشکلات بیشتری را ایجاد کرده است.

۵. تطبیق رویه قضائی ایران با استانداردهای بین‌المللی

با توجه به اینکه جرایم سایبری و سرقت‌های رایانه‌ای فراتر از مرزهای ملی هستند و ممکن است شامل افراد یا گروه‌های خارج از ایران شوند، تطبیق رویه قضائی ایران با استانداردهای بین‌المللی یکی از مسائل مهم در برخورد با این نوع جرایم است. ایران به‌عنوان عضو از جامعه بین‌المللی، به‌ویژه در کنوانسیون بوداپست که یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرایم سایبری است، نیاز دارد که قوانین و رویه‌های قضائی خود را با این استانداردها هماهنگ کند.

بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، ایران هنوز در زمینه تطبیق قوانین خود با استانداردهای جهانی با چالش‌هایی روبه‌رو است. این موضوع به‌ویژه در زمینه شناسایی و اثبات شواهد دیجیتال در پرونده‌های سرقت رایانه‌ای حائز اهمیت است. هماهنگی با نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه تبادل اطلاعات و همکاری در تحقیقات، می‌تواند به‌ویژه در پرونده‌های فراملی کمک شایانی کند (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۵).

۶. مشکلات اجرائی و نیاز به آموزش‌های تخصصی

یکی از عمده‌ترین مشکلات در رویه قضائی ایران در رابطه با سرقت‌های رایانه‌ای، نبود تخصص کافی در میان مقامات قضائی و کارشناسان است. بسیاری از قضات و دادستان‌ها به‌ویژه در سال‌های ابتدایی تصویب قانون جرایم رایانه‌ای، آموزش‌های کافی در زمینه فناوری اطلاعات و تحلیل شواهد دیجیتال نداشتند. این مشکل، تا حد زیادی به دلیل سریع‌الاجرا بودن تغییرات در فناوری و نیاز به به‌روزرسانی مداوم اطلاعات فنی بود.

این ضعف‌ها سبب شد که بسیاری از پرونده‌های سرقت رایانه‌ای به‌طور نادرست بررسی شوند و گاهی به دلیل عدم وجود شواهد کافی یا خطا در تحلیل داده‌ها، متهمان بی‌گناه یا مجرمان واقعی بی‌دستگیر باقی بمانند. در این زمینه، راه‌حل اصلی می‌تواند برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای قضات، دادستان‌ها و کارشناسان فنی باشد تا این گروه‌ها با آخرین روش‌ها و ابزارهای دیجیتال آشنا شوند (رحیمیان، ۱۳۹۹، ص ۱۹۸).

نتیجه‌گیری

سرقت رایانه‌ای به‌عنوان یکی از جرایم نوظهور و پیچیده در دنیای مدرن، به‌طور چشمگیری در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این نوع جرم به دلیل وابستگی آن به فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال، با چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی در شناسایی، بررسی و دادرسی روبه‌رو است. در ایران نیز با وجود تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸، که به‌طور خاص به این نوع جرایم پرداخته است، هنوز مشکلات زیادی در زمینه‌های مختلف حقوقی، قضائی، و اجرایی وجود دارد. این مشکلات عمدتاً ناشی از ضعف‌های قانونی، پیچیدگی‌های فنی در اثبات جرم، و کمبود تخصص در مقامات قضائی و امنیتی است. در این راستا، برای مقابله مؤثر با سرقت رایانه‌ای، نیاز به اصلاحات و تغییرات جدی در حوزه‌های مختلف احساس می‌شود.

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در برخورد با سرقت‌های رایانه‌ای، ابهام و عدم شفافیت برخی از مفاهیم قانونی است. به‌ویژه در قانون جرایم رایانه‌ای، مفاهیمی چون «دسترسی غیرمجاز» و «سرقت داده‌ها» به‌طور دقیق و جامع تعریف نشده‌اند. این امر موجب ایجاد ناهماهنگی در برخورد قضائی با پرونده‌های مشابه و حتی گاهی منجر به صدور آرای متناقض می‌شود. علاوه بر این، نقص در تدوین مقررات لازم برای تعامل بین قانون جرایم رایانه‌ای و سایر قوانین کیفری، از جمله قانون مجازات اسلامی، یکی دیگر از چالش‌های اساسی است که موجب ایجاد فضای قانونی مبهم برای رسیدگی به این نوع جرایم شده است.

مشکلات دیگری که در مسیر دادرسی سرقت رایانه‌ای در ایران وجود دارد، پیچیدگی‌های فنی این نوع جرایم و نیاز به شواهد دیجیتال برای اثبات وقوع جرم است. در بسیاری از پرونده‌ها، شواهدی که از سیستم‌های دیجیتال و رایانه‌ها استخراج می‌شود، ممکن است به‌راحتی از بین بروند یا دستخوش تغییر شوند، و این امر کار را برای قضات دشوار می‌کند. علاوه بر این، به‌دلیل نیاز به تحلیل دقیق داده‌های دیجیتال و فنون پیشرفته برای شناسایی و تجزیه و تحلیل ردپاهای مجرمان، نبود تخصص کافی در مقامات قضائی و نیروی انتظامی مشکل‌ساز است. همچنین، زمانی که پرونده‌ها به‌ویژه در زمینه سرقت‌های فراملی پیگیری می‌شوند، همکاری‌های بین‌المللی برای تبادل اطلاعات و شواهد دیجیتال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در ایران هنوز به‌طور کامل به آن پرداخته نشده است.

برای مقابله مؤثر با این مشکلات، پیشنهادات اصلاحی مختلفی وجود دارد که می‌تواند به بهبود وضعیت موجود در زمینه دادرسی و رسیدگی به سرقت‌های رایانه‌ای در ایران کمک کند. این پیشنهادات به‌طور عمده بر اصلاح قوانین، ارتقاء تخصص قضائی و امنیتی، و بهبود فرآیندهای اجرائی تأکید دارند.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

الف. فارسی

- 1- آقای میبدی، حسین؛ غلامی، علی. (۱۳۹۹). بررسی ملاک‌های تعیین شدت سرقت‌های تعزیری بر اساس الگوی سرقت حدی (تحلیل فقهی ماده ۲۷۶ قانون مجازات اسلامی)، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۱۱، شماره ۱، پیاپی (۲۱)، صفحات ۵۰-۲۵.
- 2- آقای نیا، ح؛ چلبی، آ. (۱۳۸۸). جایگاه سرقت در حوزه مفهومی مالکیت: بررسی تطبیقی مفهوم سرقت در چهار نظام حقوقی (انگلستان، امریکا، فلوریدا، کانادا و ایران)، مجله مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و نهم، شماره ۲.
- 3- اعتدال، محمد. (۱۳۷۹). اعتبار و اهمیت رویه قضایی، نوید شیراز.
- 4- پاد، ابراهیم. (۱۳۴۸). حقوق کیفری اختصاصی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- 5- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۶۲). مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش.
- 6- جعفری تبار، حسن. (۱۳۹۵). دیو در شیشه در فلسفه رویه قضایی، نشر حق‌گزاران.
- 7- حسین نژاد، س؛ عابدی فیروزجایی، ح؛ یدالله پور منصور، م. (۱۳۹۵). تعارض میان روایات حرز اموال در سرقت مستوجب حد، مجله فقه اهل بیت، شماره ۸۷.
- 8- حسین نژاد، س. (۱۳۹۲). بررسی فقهی موضوع‌شناسی حرز در سرقت از دیدگاه فقهای امامیه، مجله فقه اهل بیت، شماره ۷۵ و ۷۶.
- 9- حبیب‌زاده، محمد جعفر. (۱۳۷۴). حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، قم: سمت.
- 10- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- 11- رضوی اصل، س؛ مرادخانی، ا. (۱۳۹۴). بررسی مفهوم هتک حرز در سرقت‌های اینترنتی، مجله فقه، سال بیست و دوم شماره ۳.
- 12- زراعت، عباس. (۱۳۹۳). شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (حدود)، تهران: انتشارات جاودانه، چاپ اول.
- 13- سلیمان دهکردی، الهام؛ حیدریان، ارشیاناز. (۱۳۹۸). تبیین سرقت هویت در نظام کیفری ایران، دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، خرداد، صفحات ۸۵-۶۳.
- 14- شکری، ر. (۱۳۹۵). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، نشر مهاجر، چاپ اول، تهران.
- 15- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۷۵). حقوق کیفری اختصاصی، چاپ اول، تهران: ویستار.
- 16- طوسی، م. (۱۳۷۸). المبسوط فی فقه الإمامیه، المکتبوه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، تهران.
- 17- عطازاده، س؛ قیوم‌زاده، م؛ انصاری، ج. (۱۳۹۷). بررسی میزان انطباق‌پذیری جرایم اینترنتی با حقوق اسلامی (مطالعه موردی سرقت و کلاهبرداری)، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱۸.
- 18- علیزاده، عبدالرضا. (۱۳۹۳). تحلیلی اجتماعی حقوقی و معرفتی از رویه قضایی، مجله حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۱۱، بهار و تابستان، شماره ۱، ص ۱۴۱.

- 19- قاسمی، ناصر؛ مرادی، امیر. (۱۳۹۸). تحلیل شروع به جرم سرقت تعزیری در حقوق کیفری ایران، دوره ۱۹، شماره ۹۷، صفحات ۱۵۱-۱۳۹.
- 20- قدرتی، ف. (۱۳۹۵). ملاک تحقق سرقت از حرز و موارد مشابه آن در فقه امامیه و حقوق موضوعه، مجله مطالعات فقه امامیه، شماره ۷.
- 21- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۵). فلسفه حقوق، مشهد: انتشارات به نشر.
- 22- لطفی، ا. (۱۳۸۳). ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ اول، تهران.
- 23- میرمحمدصادقی، ح. (۱۳۹۳). جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهل و دوم، تهران.
- 24- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۴). حقوق کیفری اختصاصی ۱، تهران: میزان.
- 25- میربلوچ‌زهی، موسی؛ حسینی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). بررسی حد سرقت از منظر فقهای اهل سنت (مذاهب چهارگانه) و مذهب شیعه (بررسی قانون ایران در خصوص حد سرقت)، نشریه قانون‌یار، دوره ۵، شماره ۱۷، صفحات ۲۱۶-۱۸۳.
- 26- محمدزاده وادقانی، علیرضا. (۱۳۷۶). رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸.
- 27- مدنی، سید جلال‌الدین. (۱۳۹۵). رویه قضایی، انتشارات پایدار.
- 28- موسوی بجنوردی، سید محمد؛ بنی‌هاشمی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی فقهی سرقت رایانه‌ای - اینترنتی با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)، فصلنامه متین، ۶۰، صفحات ۲۹-۴۰.
- 29- وزیری، م؛ ارشاد حسینی، ح. (۱۳۹۶). بررسی احکام فقهی و حقوقی سرقت رایانه‌ای، مجله معرفت، شماره ۲۳۳.
- 30- ولوی، س؛ آقایی بجستانی، م؛ روحانی مقدم، م. (۱۳۹۷). جستاری در مصادیق نوین حرز و ثبوت حد در سرقت الکترونیکی از منظر فقه و حقوق، مجله جستارهای فقهی و اصولی، سال چهارم، شماره ۱۱.
- 31- هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۵). حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.

ب. عربی

- 32- آخوند خراسانی، ملا محمدکاظم. (۱۴۰۹ ق). کفایه الأصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- 33- ابن فارس زکریا، ابی‌الحسین احمد. (۱۴۰۴ هـ ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- 34- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ هـ ق). القاموس المحيط، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- 35- ابن منظور. (۱۳۶۳). لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
- 36- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- 37- ابن برآج طرابلسی، قاضی عبد‌العزیز. (۱۴۱۱ ق). جواهر الفقه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- 38- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ ق). غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- 39- بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۲ ق). الحاشیه علی الکفایه، بی‌جا: انصاریان.
- 40- تبریزی، غلامحسین. (بی‌تا). اصول المهدیه، بی‌جا: چاپ طوس.
- 41- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق). مسالک‌الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- 42- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

- ۴۳- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۰۹ ق). الفقه، بیروت: دار العلوم.
- ۴۴- حلی ابوالقاسم، جعفر بن الحسن. (۱۴۱۴). شرایع الاسلام، ج ۴، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم.
- ۴۵- خمینی (امام)، سید روح الله. (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۴۶- صیمری، مفلح بن حسن. (۳۵۶۶ ق). غایه المرام، بیروت: دار الهادی.
- ۴۷- راغب اصفهانی، حسین بن احمد. (۳۵۳۶ ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار العلم.
- ۴۸- سبجانی، جعفر. (۳۱۳۶ ق). درس خارج فقه الحدود و القصاص، تقرير: سید مجتبی حسین نژاد، نسخه خطی.
- ۴۹- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی. (۳۵۶۰ ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشرق.
- ۵۰- فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ ق). التنقیح الرائع، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ۵۱- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۵۲- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه - المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- ۵۳- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۵۴- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین. (۱۴۱۶ ق). اصباح الشیعه بمصباح الشریعه، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ۵۵- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۵). أصول الفقه، قم: اسماعیلیان.
- ۵۶- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۵). فوائد الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۵۷- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ج. انگلیسی

- 58-Marty G. et Raynaud P. (۱۹۸۷). Droit civil, Introduction generale a l'étude du droit, p. ۲۱۸.
- 59-Michaut, Fr. (۱۹۸۷). Le role createur du juge selon l'école de la sociological jurisprudence, R. I. D. C. , p. ۳۴۳.. ۱۹۸۷, P. ۳۴۳.
- 60-Cohen, L. E. , & Felson, M. (1979). Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach. American Sociological Review, 44 (4) , 588-608.
- 61-Garofalo, J. (1981). The Criminalization of American Business: A Critical Assessment of the Corporate Crime Problem. Journal of Criminal Law and Criminology, 72 (3) , 1281-1300.
- 62-Kleiman, M. A. R. (2009). When Brute Force Fails: How to Have Less Crime and Less Punishment. Princeton University Press.
- 63-Davis, M. (1998). Ecology of Fear: Los Angeles and the Imagination of Disaster. Henry Holt & Company.
- 64-Davis, M. (1990). City of Quartz: Excavating the Future in Los Angeles. Verso.
- 65-Murphy, P. V. (1984). Terrorism and the Law. Transaction Publishers.
- 66-Packer, H. L. (1968). The Limits of the Criminal Sanction. Stanford University Press.

Abstract:

The crime of theft has always been one of the significant crimes in various legal systems. In Iran, theft is considered one of the specific crimes with its own legal punishments. However, with the advancement of new technologies and the widespread use of computers and cyberspace, a new type of theft called "cyber theft" has emerged, which has significant differences from traditional thefts. This study examines the judicial procedure in Iran regarding the crime of theft and compares it with cyber theft. The importance of this research lies in understanding the alignment of Iranian law with recent developments in the field of cybercrimes and the necessity of legal reforms to better coordinate with social and technological realities. The objective of this research is to analyze and explain how judges handle cyber theft and examine its differences from regular thefts within the framework of Iranian law. The research method is analytical-descriptive, and the primary data sources include library resources, academic articles, and judicial practices.

Keywords: Cyber Theft, Iranian Judicial Procedure, Theft, Iranian Law, Cybercrimes
